

فصلنامه علمی دانشجویی منهاج؛

شماره سوم / زمستان ۱۴۰۱

انجمن علمی دانشجویی علوم قرآن و حدیث
دانشگاه الزهرا (س)



□ در این شماره می خوانیم:

❖ قرآن و روشنگری

❖ قرآن و علم

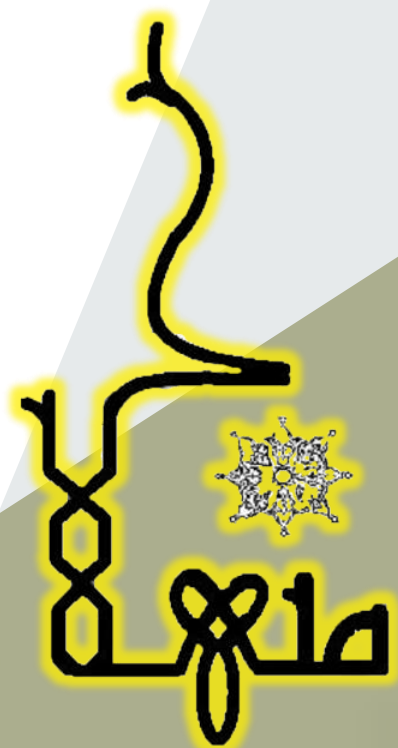
❖ تفسیر آیه وحدت

❖ تفسیر حدیث سفینه

❖ بررسی یک شبهه درباره حجاب



فصلنامه علمی دانشجویی منهاج؛
شماره سوم / زمستان ۱۴۰۱





فصلنامه علمی دانشجویی منہاج

انجمن علمی دانشجویی علوم قرآن و حدیث
دانشگاه الزهراء (س)

شماره ۳ - زمستان ۱۴۰۱

صاحب امتیاز : میمنہ سادات میری

مدیر مسئول : فاطمہ امین پور

سر دبیر : خدیجہ حیدری مشگول

استاد مشاور: خانم دکتر رضی

ویراستار : زہرا علیپور

طراحی جلد و صفحہ آرایہ : زہرا عظیمی

ہیئت تحریرہ : زینب سادات میر معینی ،

خدیجہ حیدری مشگول ، صفیہ لازری ،

صغری خلیفہ شام اسبی ، مریم سابقی

فهرست مطالب

سرمقاله

صفحه ۶

سخن سردبیر

صفحه ۷



سخن رهبری

صفحه ۸



راه های رسیدن به آرامش

روح و روان از منظر قرآن

صفحه ۱۰



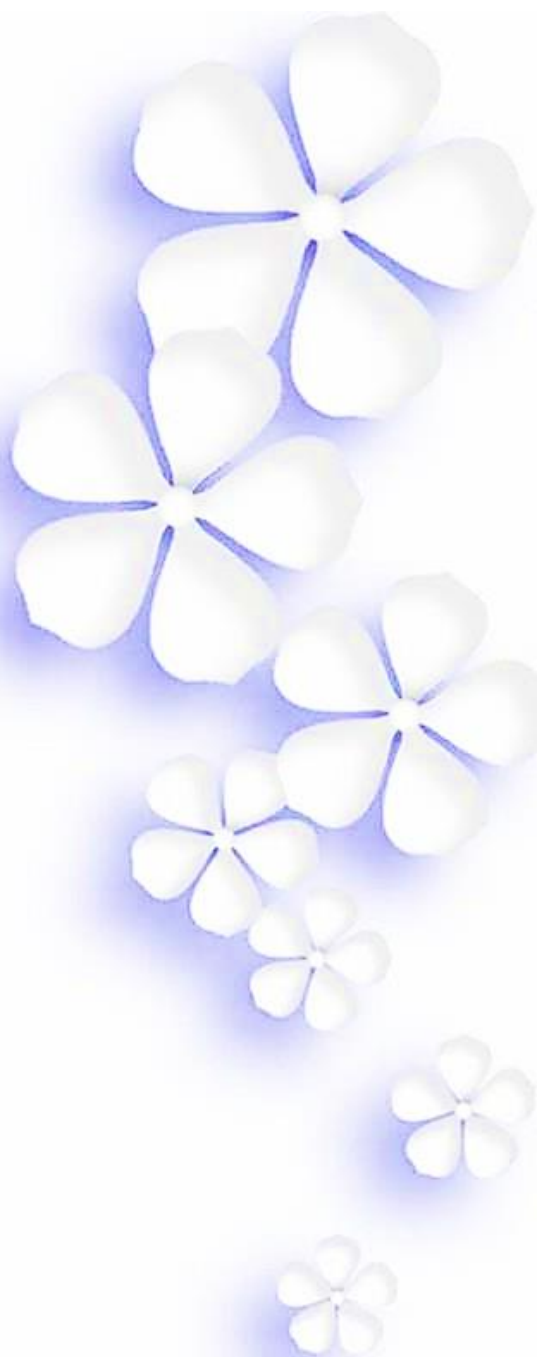
قرآن و روشنگری

صفحه ۱۴



قرآن و علم

صفحه ۱۶





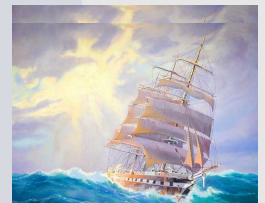
تفسیر آیه وحدت

صفحه ۱۷



تفسیر حدیث سفینه

صفحه ۱۸



قطره‌ای از فضائل حضرت زهرا (س)

صفحه ۲۰



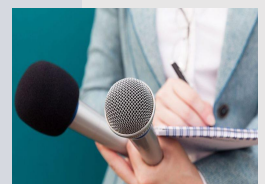
بررسی یک شبهه رایج درباره چادر

صفحه ۲۲



مصاحبه با استاد

صفحه ۲۴



معرفی کتاب

صفحه ۲۶



جدول و سرگرمی

صفحه ۲۷

سرمقاله

خدیجه حیدری مشگول

کارشناسی علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س)

hkhdyjh067@gmail.com

اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ

خدا سرپرست شماست و او بهترین یاری دهندگان است. «آیه ۱۵۰ سوره آل عمران»

ثنا و حمد بی پایان خدا را

که صنعش در وجود آورد ما را

با سلامی گرم به خوانندگان محترم،

بعد از مدت ها وقفه ، با قدرت و انگیزه ای بیشتر کار خود را آغاز می کنیم. این توفیق نصیبمان شد تا مسئولیت «نشریه منهاج» را به عهده بگیریم و راهی را که دوستانمان شروع کرده بودند ، ادامه دهیم.

از استادان بزرگوار : خانم دکتر معتمد لنگرودی و دکتررضی و همچنین دوستان عزیز مان در جمع آوری بهترین مطالب سپاسگزاریم که یاری دهنده ی ما در این شماره از فصلنامه بودند.

خدیجه حیدری مشگول سردبیر نشریه منهاج

زمستان ۱۴۰۱

سخن سردیر

خدیجه حیدری مشگول

کارشناسی علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س)

hkhdyjh067@gmail.com

عبادت قدرت اراده ی شما را افزایش می دهد و خداوند را در زندگی با شما همراه می کند تا در همه لحظات کمکتان نماید.

گل دسته های سپیده دم، در گوش شهر اذان را ندا می دهند و سجاده سحرخیزم، مرا به خویش فرا می خواند.

هنوز پلک هایم رؤیاهای نیمه شب را تشنه اند؛ ولی این بستر خمیازه را از خود می رانم و بانگ آسمان را به لبیک بر می خیزم. آب، آب زلال بی ریا، به رویم آغوش می گشاید و حریر نوازش وضو، به رخساره ام تلنگر می زند.

پروردگارا!...

به نام تو و چشم در چشم قبله یگانه، تمام تسبیح ها و ستایش هایم را چادر به سر می گیرم و نماز عاشقانه ام را به نام تو آغاز می کنم؛ تویی که تمام عشقی و جاودانگی و ملکوت از آن توست...

سپاس من، سپاس عالمیان و آدمیان، سپاس های مشتاق و دلداده، همه از آن توست که بی وقفه و یک نفس، کائنات را خدایی می کنی و سلطان یک تاز هستی و خلقتی؛ مهربانی که هرگز بر اهالی قلمرو خویش، برای عطای بی دریغش، منتی نمی گذارد.

خدیجه حیدری مشگول

سخن رهبری

خدیجه حیدری مشگول

کارشناسی علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س)

hkhdyjh067@gmail.com

مثل همه نعمت های الهی شرطش این است که مردم با تلاش و با همه ی وجود و توانایی شان به دنبال کسب این نعمت الهی باشند، مردم ما با همه وجود و با همه تلاش به دنبال اسلام و قرآن راه افتادند؛ خدای متعال هم این نعمت را به آنها ارزانی داشت امروز بحمدالله امواج آموزش و تعلیم و تعلم قرآن، بسیاری از نقاط

خیلی خوشحالییم که بحمدالله امواج با برکت تعلیم و تعلم قرآن در کشور فراگیر شده است. شما عزیزان، بدانید سال های سال در کشور ما با گسترش قرآن مبارزه کردند؛ به خیال خودشان کاری کردند که قرآن متروک و فراموش شود سالهای متمادی درس قرآن را از مراکز تعلیمات برداشتند و آهنگ قرآن و پخش آن را محدود کردند چه کسانی این کار را کردند؟ همان کسانی که با زور بیگانگان بر این کشور مسلط شده بودند؛ یعنی رژیم فاسد و گنهکار پهلوی، قصد آنها این بود که این کشور را با همه منابع انسانی و مادی اش دودستی در اختیار قدرت های جهان خوار غربی قرار دهند آنها بودند که این کار را برنامه ریزی و اجرا کردند می دانستند تعلیم، قرآن فکر قرآنی و تربیت قرآنی نمی گذارد خائنان کار خود را به راحتی انجام دهند؛ لذا با قرآن مبارزه می کردند. خدای متعال در قرآن فرموده است: «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون حفظ قرآن»، حفظ معارف الهی حفظ آیات نازل شده بر قلب مقدس پیغمبر چیزی نیست که وسوسه ها و توطئه های بشری بتواند با آن مبارزه کند حفظ قرآن کار خداست و تدبیر، الهی قرآن را رایج خواهد کرد. البته شرط دارد.



مرتب و با برنامه تشکیل شده است و این همه جوانان خوب در این مجموعه ها مشغول استفاده هستند. از خدای متعال می خواهیم دست اندرکاران این سازماندهی و آموزش قرآنی را، در هر نقطه ی کشور که هستند و با هر نامی که تلاش می کنند، مشمول رحمت و فضل خود قرار دهد. ان شاء الله سعی شما جوانان این باشد که هم در علم و عمل، و هم در تربیت دینی، رفتار و معاشرت خودتان را نمونه کنید، همچنان که در فراگیری قرآن الحمدلله نمونه هستید، و مردان و زنان نمونه آینده کشور باشید تا ان شاء الله در هدایت عمومی کشور ایمان های شما نقش داشته باشد.

برای مواجهه با کسانی که حاضر نیستند شکوه و عظمت اسلام عزیز و مسلمانان و کشور ما ایران را ببینند خود را از همه جهت بسازید. اینها ضربه می زنند و شبهه ایجاد می کنند؛ اما شما مثل کوه باید خود را در مقابلشان مستحکم نمایید و بایستید و دشمن را ناکام کنید.

از خداوند متعال مسألت میکنم که همه شما را مشمول لطف و فضل و رحمت خود قرار دهد و ان شاء الله توجهات حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در حق شما همیشه مستمر و مستدام باشد. والسلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته



برگزیده این دیدار

حفظ قرآن کار خداست و تدبیر، الهی قرآن را رایج خواهد کرد. حضور قرآن در ذهن، انسان نعمت بسیار بزرگی است. انس با قرآن در دوران کودکی و نوجوانی تا دوران جوانی یک نعمت بسیار بزرگ است. اگر جوان مسلمان با قرآن انس پیدا کند و فرصت تدبیر قرآن را به خود بدهد بسیاری از شبهات دشمنان بی اثر خواهد شد.

ان شاء الله سعی شما جوانان این باشد که هم در علم هم در عمل هم در تربیت دینی و هم در رفتار و معاشرت خودتان را نمونه کنید. سعی شما جوانان و نوجوانانی که قرآن را فرا میگیرید این را بدانید که یک ذخیره مادام العمر برای اندیشیدن و فکر کردن را برای خودتان فراهم میکنید انس با قرآن در دوران کودکی و نوجوانی تا دوران، جوانی یک نعمت بسیار بزرگ است.

تلاش شما جوانان این باشد که هم در علم و عمل، در تربیت دینی و هم در رفتار و معاشرت، خودتان را نمونه کنید و مردان و زنان نمونه ی آینده کشور باشید تا ان شاء الله در هدایت عمومی کشور ایمانهای شما نقش داشته باشد.

جامعه ما را فرا گرفته است و من خوشحالم از این که می بینم، جوانان نوجوانان و کودکان در راه آموزش قرآن تلاش می کنند. شما جوانان و نوجوانانی که قرآن را فرا می گیرید این را بدانید که یک ذخیره مادام العمر برای اندیشیدن و فکر کردن را برای خودتان فراهم می کنید این چیز بسیار باارزشی است ممکن است در سنین جوانی معانی و معارف عمیقی را از آیات قرآن استنباط نکنید و نتوانید درست بفهمید، فقط چیزهای سطحی و اندکی از معارف را بفهمید، اما به موازات بالا رفتن سطح معلومات و پیشرفت علمی از آیات قرآن که در حافظه و ذهن شما قرار دارد بیشتر استفاده می کنید.

حضور قرآن در ذهن انسان نعمت بسیار بزرگی است، فرق است بین کسی که برای مطالبی بارها آیات قرآن و فهرست های قرآنی را جستجو می کند تا ببیند در این باره آیه ای وجود دارد یا نه با آن کسی که آیات قرآن در ذهن و دل و جلو چشم اوست و نگاه می کند آنچه را که در هر بخشی از معارف اسلامی به آن نیاز دارد. از قرآن استنباط و استخراج می کند و روی آن فکر و تأمل می کند و از آن استفاده می برد انس با قرآن در دوران کودکی و نوجوانی تا دوران جوانی یک نعمت بسیار بزرگ است.

البته آشنایی با الفاظ و ظواهر، قرآن گام اول است؛ اگر دانش پژوهان دینی و قرآنی این قدم را برندارند، قدم های بعدی دشوار و گاهی هم ناممکن خواهد شد امروز می بینید کسانی در گوشه و کنار درباره اسلام حرف می زنند و چیزهایی را ادعا می کنند که هیچ ارتباطی با اسلام ندارد؛ چرا؟ چون آنها با معارف متون قرآن و سنت آشنا نیستند انسان باید با متن قرآن و سنت، یعنی حدیث نبوی و ائمه «علیه السلام» آشنا شود تا بتواند معارف دینی را بفهمد؛ ولو بخواهد در اعماق آن غور کند پس این قدم اول و درعین حال لازم است.

البته بعد از آن، جمع معلومات فراوان برای خود و استفاده از آن معلومات برای درک معارف قرآن و حدیث، لازم است. هرچه معلومات انسان بیشتر شود فهمش از قرآن و حدیث روشنتر خواهد شد تجربه ها نیز همین طور است هرچه تجربه انسان در زندگی بیشتر شود وقتی حوادث گوناگون دنیا را نگاه می کند معرفتش نسبت به قرآن بیشتر و مطالب قرآن برای او واضح تر خواهد شد.

امروز که حکومت اسلامی تشکیل شده و نظام جمهوری اسلامی به وجود آمده است ما معنای بسیاری از آیات قرآن را می فهمیم که قبل از تشکیل حکومت اسلامی، تصویر گنگ و مبهمی از آن آیات داشتیم امروز که دشمنی های استکبار و قدرت های ظالم و ستمگر و افزون طلب در مقابل چشم ماست و صف آراییی های آنها را مشاهده می کنیم، توطئه ها و نقشه های آنها، نوع فریب افکار عمومی یا فریب ذهن های آلوده برخی از خواص، برای ما آشکار می شود که عمق معنای آیه قرآن چیست و به کجا اشاره می کند و چه آسیب هایی را برای ذهن خوانندگان و متدبران در قرآن مجسم می کند قدر این را باید دانست. ما در جامعه خودمان در آموزش قرآن عقب افتادگی زیادی داریم، که باید این ها را جبران کنیم.

اگر جوان مسلمان با قرآن انس پیدا کند و فرصت تدبیر در قرآن را به خود بدهد بسیاری از شبهات دشمنان بی اثر خواهد شد. البته همه دستگاه های فرهنگی کشور باید کمک کنند باید مفاهیم قرآنی به وسیله خبره های این کار دسته بندی شود و به تناسب در جای خود و در کتاب های درسی، چه در مدرسه ها و چه در دانشگاه ها، گنجانده شود.

ما بسیار خوشحالمیم از این که بحمدالله این مجموعه قرآنی منظم و



راه های رسیدن به آرامش روح و روان از منظر قرآن

خدیدجه حیدری مشگول

کارشناسی علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س)

hkhdyjh067@gmail.com

اطمینان را در قلب مؤمن جای داد تا ایمانی که قبل از نزول سکینه داشته کامل تر شود.

آرامش داشتن در زندگی؛ نخستین چشمه خوشبختی است و کسی که از این نعمت محروم باشد از نعمت خوشبختی نیز محروم است و هیچ گاه نمیتواند طعم خوشبختی را بچشد.

ذکر حقیقی به این معناست که انسان ها با زبان و دل یاد خداوند باشد و اگر یاد او تنها بر زبان جاری باشد اما دل با آن همراه نباشد آرامشی به دست نمی آید.

انسانی هم که ایمان نداشته باشد با اندیشه و افکار آشفته و نگرانی های فراوان دست به گریبان است، همواره در درون خود کند احساس پوچی می کند. و همیشه در انتخاب مسیر زندگی و تصمیم گیری هایش دچار سردرگمی است. حال انسانی که ایمان دارد از همه اینها آسوده است، همه افکار و اهدافش را برای هدای نهایی گرد می آورد و این همان خشنودی خدای متعال است. زیرا دیگر کاری به این ندارد مردم از او راضی یا عصبانی شوند، هیچ وقت سر در گم نیست و همیشه در یک آرامش روحی به سر می برد.

همچنین آیه ۸۲ سوره انعام هم به موضوع ایمان اشاره دارد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ»

آنان که ایمان آورده و ایمان خود را به ستمی نیالودند ایمنی برای آنها است و آنان در حقیقت هدایت یافته اند.

این آیه هم اشاره دارد به این که امنیت آرامش و هدایت از آثار ایمان است البته به شرط اینکه روی این ایمان با پرده های شرک و ستم پوشیده نشود. مراد از ظلم در این آیه به معنی چیزهایی است که برای ایمان مضر بوده و آن را فاسد و و بی اثر می سازد ما با توجه به این آیات در می یابیم که ایمان اصلی مهم برای

در سال های اخیر تلاش های زیادی شده تا افرادی که دچار بیماری های روانی، اضطراب های شخصیتی و عدم تعادل هستند درمانش شوند. در این زمینه روش های مختلفی برای درمان معرفی شده، اما هیچ کدام موفقیت کاملی برای نابودی یا پیشگیری از بیماری های روانی کسب نکرده است. حتی جوامع غربی هم دریافته اند برای درمان بیماری های روحی باید به دین پناه برد و چون دین اسلام کامل ترین ادیان است منشأ آرامش را باید در آن جست قرآن کریم کامل ترین نسخه برای آرامش روح است در ادامه راه رسیدن به آرامش از دیدگاه قرآن را بیان می می کنیم.

• ایمان

یکی از راه های رسیدن به آرامش ایمان است. ایمان همان باور و تصدیق قلب به خدا و رسولش است و منظور از باور و تصدیق باوری این است که هیچ گونه شک و تردیدی بر آن وارد نشود تصدیقی مطمئن و ثابت که دچار لرزش نشود، وسوسه ها در آن تأثیر نگذارد و قلب در رابطه با آن گرفتار تردید نشود.

قرآن در آیه ۴ سوره فتح می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُذْخِرُوا إِيْمَانَهُمْ» اوست آنکه آرامش و قوت قلب را بر دل های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمان خود اضافه کنند.

سکینه به معنای آرامش قلب و اطمینان خاطر است خداوند این حالت را به هر کس عنایت کند نتایج خوبی برای او در پی دارد، و او با رسیدن به این حالت از ملامت ها نمی هراسد توکل دارد، اگر چیزی را از دست بدهد غمناک نمی شود و اگر چیزی را به دست آورد طغیان و نافرمانی نمی کند.

از این آیه می توان فهمید که انسان بدون ایمان، نمی تواند به آرامش روحی و روانی برسد، و به این معناست که خدا ثبات و

• توکل

یکی دیگر از راه های رسیدن به آرامش ، توکل به خداوند است توکل از ریشه (وکل) می باشد و به معنی وکیل گرفتن و واگذاری کارها به وکیل می باشد.

وقتی انسان از رسیدن به آرزوهایش ناامید می شود و از همه جا و همه مردم قطع امید کرده باشد تنها کسی که برای او کفایت کند خداوند است. او می تواند با توکل بر خدا به همه ی آرزوها و خواسته هایش برسد.

قرآن یکی دیگر از عوامل آرامش را توکل معرفی می. کند، آیه ۳ سوره طلاق اشاره به این موضوع دارد: «وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»

و از جایی که گمان نبرد به او روزی عطا کند و هر که بر خدا توکل کند خدا او را کفایت خواهد کرد.

این قسمت از آیه درباره عوف بن مالک اشجعی آمده که مردی فقیر و بی چیز بود و پسری داشت که مشرکین او را اسیر کرده بودند؛ عوف نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد و از درد درونی خود به خاطر اسارت فرزند و فقر می نالید پیامبر (ص) او را آرام کرد و فرمود: ای عوف صبر کن و پرهیزکار باش و زیاد کلمه (لا حول ولا قوة الا بالله) را بر زبان جاری ساز. عوف به خانه خود برگشت و به اهل خانواده خود گفت رسول خدا (ص) ما را به تقوی و صبر امر فرموده و نیز فرمود: (لا حول ولا قوة الا بالله) بگوییم ؛ چندی نگذشت که پسر عفو با گله ای از گوسفند و شتر بازگشت و به پدرش گفت کسی که مرا اسیر نموده بود را غافلگیر کردم و در حال غفلت او گوسفندان و شتران او را به غنیمت آوردم عوف نزد پیامبر رفت و سؤال کرد که آیا این گوسفندان بر او حلال است یا نه؟ پیامبر فرمود: بله بر شما حلال است و سپس این آیات نازل گردید.

رسیدن به آرامش و امنیت است، در واقع امنیت و آرامش روحی تنها زمانی به دست می آید که جوامع انسانی دواصل عدل و ایمان اجتماعی حکومت کند

اگر در جامعه ای پایه های ایمان به خدا سست شود و عدالت اجتماعی جای خود را به ظلم و ستم بدهد امنیت در این جامعه وجود نخواهد داشت.

• ذکر

یکی دیگر از راههای رسیدن به آرامش ذکر است ذکر در اصطلاح همان یادآوری به قلب و زبان است که گاهی در برابر غفلت و فراموشی به کار می رود .

در آیه: «یا ایها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی» اطمینان به معنی آرامش و قرار گرفتن است و دل مطمئن آن نفس مطمئنه است. بر این اساس پاداش کسی که با یاد خدا به مقام اطمینان رسیده ورود به حلقه ی بندگان خدا و بهشت است. منظور از ذکر نیز یاد خداست. زمانی که انسانها در تنگنهای زندگی گرفتار می شوند و دچار اضطراب و نگرانی ، هستند یاد خداست که به دلهای آنها آرامش می دهد.

ذکر حقیقی یعنی انسان با زبان و دل یاد خداوند باشد؛ زیرا اگر یاد خدا تنها بر زبان جاری باشد اما دل با آن همراه نباشد آرامشی به دست نمی آید.

اگر انسان به دل متوجه خداوند باشد و در زبان اذکاری که در شرع آمده را بگوید با خداوند انس می گیرد و انس با خدا هم آرامش در او ایجاد می کند زیرا خداوند بهترین و امنیت بخش ترین موجود می باشد و کسی نیست که بتواند با قدرت الهی مقابله کند و همچنین می توان گفت و بهترین نوع یاد خداوند هم نماز است :

اقم الصلوه لذكری ..» نماز را برای یاد من به پا دار



پس بهتر است کسانی که در زندگی احساس فقر می کنند یا دچار ناراحتی و نگرانی شده اند برای دفع مشکلات به قدرتی که بالای همه قدرت هاست اعتماد کنند و خود را به او بسپارند؛ زیرا خداوند مصلحت بندگانش را بهتر می داند و اگر صلاح بداند ، او را به خواسته اش می رساند.

منظور از توکل بر خدا این است که انسان برای رسیدن به اهدافش ، تمام تلاش خود را بکند و در نهایت آن را به خدا واگذارد و از خدا بخواهد مشکلاتش را برطرف کند کسی که به خدا توکل کند، هرگز یأس و ناامیدی را به خود راه نمی دهد و در مقابل مشکلات احساس ضعف نمی کند و در برابر حوادث سخت مقاوم است و همین حالت باعث میشود او در درون خود احساس امنیت و آرامش کند؛ و به همین خاطر توانایی او برای رفع مشکلات چند برابر می شود و به راحتی سختی ها و مشکلات را تحمل می کند. کسی که بر خدا توکل کند خود را از هوا و هوس کنار می کشد و اراده خدای سبحان را بر اراده خود مقدم می دارد عملی را که خداوند او می خواهد بر عملی که خودش دوست دارد ترجیح می دهد؛ در نتیجه خدا کافی و کفیل او خواهد بود و آن وقت آنچه که او آرزو می کند خدای تعالی هم همان را برایش می خواهد.

• تقوا و پرهیزگاری

یکی دیگر از راه های رسیدن به آرامش، تقوا و پرهیزگاری است تقوی از ماده (وقایه) و به این معنی است که انسان خود را از زشتی ها و آلودگی گناهان نگه می دارد. در واقع تقوی یک نیروی کنترل درونی است که انسان را در برابر طغیان شهوات حفظ می کند و او را از افتادن در پرتگاه در امان نگه می دارد.

امام علی (ع) تقوا را دژی نیرومند در برابر خطرات گناه می داند.

آیات فراوانی درباره تقوا و پرهیزگاری در قرآن آمده است :

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۲) الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (۶۳) . لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۶۴) سوره یونس

آگاه باشید که دوستان خدا هرگز ترسی از حوادث آینده عالم و هیچ حسرت و اندوهی از وقایع گذشته جهان در دل آنها نیست. آنان که اهل ایمان و خدا ترسند و برای آنها در حیات دنیا پیوسته بشارت است سخنان خدا را تغییر و تبدیلی نیست ، این است پیروزی بزرگ.

در این آیه اهل ایمان و تقوا را بشارت داده است که برای آنها در دنیا و آخرت ترس و ناراحتی وجود ندارد و آنها در امنیت و آرامش به سر میبرند ؛ بشارت اهل ایمان و تقوا در دنیا از طریق رؤیاهای صادق الهامات الهی نزول آرامش ، خنثی شدن توطئه ها، مستجاب شدن دعاها و دیدار معصومین به هنگام مرگ است ؛ در آخرت نیز دریافت نعمت های الهی است.

در آیه ۶۳ می فرماید آنها که اهل ایمان هستند و از خدا می ترسند ، و به این معناست که اولیاء خدا قبل از ایمان آوردن تقوایی مستمر داشته اند و وکانوا یتقون را به جمله قبلی عطف کرده است

در ادامه آمده است که آنها از خدا می ترسند ، البته باید گفت که ترس یک امر فطری به حساب می آید ، در هر انسانی وجود دارد اما کسی که توحید سراسر وجودش را گرفته ، خوف و اندوه حب و بغض را از خدا می داند از هیچ چیزی نه در دنیا و نه در آخرت نمی ترسند و اندوهناک نمی شوند و تنها ترسی که دارند از خدای سبحان است پس اگر انسان دو رکن اساسی ایمان و تقوا را داشته باشد امنیت و آرامش در او ایجاد می شود.

گاه انسان در زندگی با گرفتاری های زیادی روبرو می شود ، او



• دعا

یکی دیگر از راه های رسیدن به آرامش ، دعا کردن است گاهی انسان در زندگی با گرفتاری های زیادی روبه رو می شود در این زمان می تواند با دعا کردن به آرامش روحی و روانی برسد در حقیقت دعا و نیایش همان پل ارتباطی عالم ماده با ملکوت است ؛ تضرع کردن در درگاه خداوند یکی از عواملی است که آرامش را در انسان ایجاد می کند. دعا و نیایش دل های خسته را آرام می کند و صفا و روشنی به جان انسان می بخشد و نیروبخش انسان در برابر مشکلات و فراز و نشیب های زندگی است. در قرآن هم آیاتی درباره دعا آمده است در آیه ۱۰۳ سوره توبه می فرماید:

« خذ من اموالهم صدقةً تطهرهم وتزكهم بها وصل عليهم ان صلاتك سكن لهم والله سميع عليم »
از اموال آنان صدقه ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه شان سازی و برایشان دعا کن زیرا دعای تو برای آنان آرامش است و خدا شنوای داناست.

این آیه درباره زکات است و خداوند به پیامبر می فرماید برای مردم در قبال گرفتن زکات دعا کن منظور از این دعا، دعای خیر به جان و مال آنهاست و نفوس آنها به دعای پیامبر سکونت و آرامش می یافت.

در حقیقت وقتی انسان به درگاه خدا دعا می کند این دعا باعث کاهش شدت و اضطراب می شود؛ زیرا مومن می داند که خداوند اجابت دعای او را تضمین کرده است موارد دیگری از جمله امید داشتن احسان و نیکوکاری ، محبت، عفت و پاکدامنی، عبادت کردن ، صبر، پناه بردن بر خدا می تواند به انسان آرامش بدهد.

منبع:

<https://article.tebyan.net/475150/%DB1%D8%>



می تواند با دعا کردن به آرامش روحی و روانی برسد. در حقیقت دعا و نیایش همان پل ارتباطی عالم ماده با ملکوت است و تضرع کردن در درگاه خداوند یکی از عواملی است که آرامش را در انسان ایجاد می کند.

• توبه

یکی دیگر از راه های رسیدن به آرامش توبه که همان بازگشت از گناه و حرکت به سوی خدا تنها راه نجات ، گناهکاران وسیله تقرب و دوستی با خدا ، تبدیل کننده سیئات به حسنات می باشد ؛ توبه به معنای ترک گناه به زیباترین صورت است و در واقع می توان گفت رساترین و بلیغ ترین وجه از وجوه معذرت خواهی به شمار می رود.

توبه آرامش و اطمینان روحی و روانی در انسان به وجود می آورد. چون زمانی که او گناه می کند ؛ خود را در یک بحران روحی می بیند و با توبه این بحران روحی تبدیل به آرامش و سکون خاطر فرد می شود.

در قرآن آیات فراوانی پیرامون توبه و فواید آن وجود دارد آیه ۵۳ سوره زمر می فرماید:

« قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا ۗ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ »
بندهگانم که بر خود اسراف روا داشتید از رحمت خدا نا امید نشوید همانا خدا همه ی گناهان را می آمرزد همانا او بخشنده ی مهربان است.

این آیه درباره مشرکین مکه نازل شده است. عبدالله بن عمر گوید که ما معتقد بودیم که فتنه انگیزان دارای توبه نبوده و توبه آنها پذیرفته نخواهد شد. به خصوص پس از ترک کردن آنان دین اسلام تا این که این آیه بعد از وارد شدن رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» به مدینه نازل شد.

همچنین ابن عباس میگوید این آیه درباره وحشی قاتل عمومی پیامبر «حضرت حمزه» نازل شده است و می گویند بعد از مسلمان شدن وحشی پیامبر بر روی او نگاه نمی کرد و مایل به دیدار او نبود وحشی فکر می کرد که با این کیفیت اسلام او درست نخواهد بود سپس این آیه نازل شد و از آن پس پیامبر بر روی او می نگریست.

از آنجایی که خاصیت تو به بازگشت به خداوند است و موجب تخلیه روان از فشار گناه می شود و حالت پاکي و طهارت نخستین را به انسان بر می گرداند، به همین دلیل احساس آرامشی عمیق وجود انسان را در بر می گیرد؛ در نتیجه انسان در زندگی به توفیقات عجیبی دست پیدا می کند

• انس با قرآن

یکی دیگر از راه های رسیدن به آرامش انس با قرآن می باشد ، قرآن یک نسخه شفا بخش برای همه دردهاست . در واقع کسی که بیشتر قرآن بخواند به آرامش دست می یابد.

آیه ۲ سوره انفال می فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّت قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تَلَّيْت عَلَيْهِمْ آيَاتَهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۲) مؤمنان تنها کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود دل هایشان ترسان می گردد؛ و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده می شود ایمانشان افزون تر می گردد و تنها بر پروردگارشان توکل دارند.

از این آیه می توان متوجه شد که آرامش و اطمینان قلوب ، دلها و نفوس نصیب قاریان و تلاوت کنندگان قرآنی می شود که از درجات ایمانی بهره مند باشند و هرچه انس آنها با قرآن بیشتر باشد درجات ایمانشان بالاتر می رود و هرچه درجات ایمان بالاتر باشد آرامش و اطمینان بیشتری را احساس می کنند

قرآن و روشنگری

مریم سابقی

کارشناسی علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س)

maryamsabeghi18@gmail.com

۸. عزیز: پیروز شکست ناپذیر، زیرا کسی نتوانسته و نمی تواند مطالب باطل را در این کتاب وارد کند.
۹. کریم و ارزشمند: آموزه های قرآن کریم انسان را به سوی با ارزش ترین مقصد هدایت می کند.
۱۰. حکیم: آیات قرآن مستحکم و استوار و غیر قابل مناقشه هستند.
۱۱. مبارک: بدین جهت که آیات قرآن منشأ خیرات فراوان است.

شناخت قرآن در کلام معصومان (ع):

- خیر خواهی که خیانت نمی کند.
- هدایتگری که گمراه نمی کند.
- سخنگویی صادق، که هیچ کلام دروغی در او راه ندارد.
- ریسمان محکم خدا: قرآن ریسمانی است که یک سر آن به دست خدای متعال است و اگر کسی به این ریسمان چنگ بزند از غرق شدن در غرقاب شهوات و شبهات نجات پیدا می کند.
- وسیله امن: امروزه بعضی سیاست ها تلاش می کنند برای انسان ها نسخه های متعددی مطرح کنند و بگویند جامعه انسانی نیازی به وحی ندارد؛ اما ائمه هدی (ع) با حکم عقلی، بهترین نسخه ی زندگی را، پیروی از قرآن می دانند.
- جدا کننده راه سعادت از ضلالت.
- تبیان: قرآن انسان را از و کور دلی می رهااند.
- نجات دهنده از لغزش ها

برای شناخت قرآن و آشنایی با ویژگی های آن، ابتدا باید به سراغ خود قرآن رفت؛ زیرا قرآن کلام خدا و بهترین راهنمای انسان در همه زمان ها است.

۱. هدایت گری: قرآن هدایت کننده تضمین جامعه انسانی است و تمسک به آن موجب دستیابی به وادی سلامت و امنیت است.

۲. نور بودن: بدین معنا که قرآن خود روشن است و ابهامی ندارد، موجب روشنایی قلب انسان و جامعه انسانی از ظلمت های جهل و سردرگمی است. روشنگری حق را از باطل جدا می کند و به انسان نشان می دهد.

۳. کتاب فطرت: که آموزه های آن با تمام فطرت ها و ویژگی های انسان هماهنگ است.

۴. جدا کننده حق از باطل: قرآن خود را فرقان نامیده است که به معنای جدا کننده ی حق از باطل است.

۵. کتاب ذکر: انس با قرآن انسان را نسبت به حقایق مهم عالم هوشیار می کند، و دوری از آن به مرور حالت غفلت را در انسان ایجاد می کند.

۶. سیطره و نگهداری: آموزه های قرآن کامل است و بر کتب آسمانی پیشین سیطره دارد؛ و نیز همان طور که می دانیم، از فراموشی کتب ادیان گذشته جلوگیری کرده و آن ها را حفظ کرده است.

۷. مجید: برای قرآن بخاطر محتوا و متن بسیار با عظمت و ابهت آن است.



- قرآن در برخی از آیات خود را این طور معرفی کرده : «إِنَّهُ لَقَوْلُ فَضْلٍ» قرآن کتابی است که بین حق و باطل فاصله می اندازد، اگر کسی با قرآن مانوس شود حق و باطل را می شناسد و می تواند برای زندگی خود برنامه ریزی بهتری داشته باشد.
- در سوره اعراف آیه ۵۲ خدای متعال میفرماید «وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَضْلِنَا عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» برای آنها کتابی آورده ایم و آن آیه را تفصیل داده ایم؛ یعنی در بخش ها و موضوعات مختلف، آیات مختلفی را فرو فرستادیم که این آیات مبتنی بر علم و دانش است .
- جدا کننده حق از باطل:
در آیه ی دیگر، در سوره فرقان آیه ی ۱ ویژگی دیگری برای قرآن کریم بیان شده ؛ قرآن از نگاه خود، فرقان دانسته شده است. و فرقان یعنی جدا کننده ی حق از باطل در آیه ی اول سوره فرقان می خوانیم «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»

سرشار از خیر و برکت است خدایی که قرآن را در این آیه فرقان نامیده ، بر بنده ی خود فرو فرستاده تا بیم دهنده ی همه جهانیان باشد.

منبع

<https://imanoor.com/blog/%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%AE%D8%AA-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86/>

- شفیع: قرآن شفاعت کننده ای است که شفاعتش مورد قبول خداوند خواهد بود.
- شکایت : قرآن کریم از کسانی که آن را پشت سرها می کنند و به آموزه هایش اهتمام ندارند شکایت می کند؛ همچنان که بنا بر نقل قرآن پیامبر اکرم (ص) نیز نزد خداوند شکایت خواهند کرد.
- خدای متعال قرآن را برای یک دوره و نیز برای یک گروه خاصی از مردم قرار نداده است؛ قرآن در همه زمان ها تا روز قیامت و نزد همه ی گروه ها نو و تازه است.
- ذکر برخی آیات در اثبات روشنگری قرآن
قرآن کریم در سوره ی مبارکه اِسراء فرموده است: «قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْاِنْسِ وَالْجِنِّ عَلَىٰ اَنْ يَّاتُوْا بِمِثْلِ هٰذَا الْقُرْاٰنِ لَا يَأْتُوْنَ بِمِثْلِهٖ وَ لَوْ كَانُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيْرًا»
بگو اگر انس و جن به یاری یکدیگر بیایند برای این که کتابی مانند قرآن بیاورند نمیتوانند کتابی مانند قرآن را بیاورند اگر چه برخی از آنها برخی دیگر را کمک کنند.
- قرآن کریم خود را کتابی بی بدیل و معجزه ای از جانب پروردگار معرفی کرده است. بنابراین بسیار شایسته است ما این کتاب را از زبان خود قرآن و همچنین از زبان اهل بیت (ع) بشناسیم.
- ویژگی دیگری که در آیه ۱۵ سوره ی مبارکه مائده آمده: «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللّٰهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُّبِيْنٌ» قرآن کتاب مبین است، حقایق را برای ما آشکار می کند و حق را از باطل به ما نشان می دهد.

قرآن و علم

خدیجه حیدری مشگول

کارشناسی علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س)

hkhdyjh067@gmail.com

قرآن سبب پیدایش و گسترش بسیاری از علوم اعم از علوم ادبی طبیعی، ریاضی، عقلی میان مسلمانان بوده است. در بسیاری از آیات قرآن، فراگیری علم و دانش با تشویق و تأکید فراوان بیان شده و فهم قرآن سبب پیدایش علوم خاصی به نام علوم قرآن شده است.

تجلیل قرآن از علم:

در صدها آیه از قرآن مجید نام علم و دانش به میان آمده که بیشتر در مقام بزرگداشت آن است؛ علم در مقام منت گذاری به انسان: «عِلْمُ الْإِنْسَانِ مَا لَمْ يَعْلَمْ» آنچه را که انسان نمی دانست بتدریج به او آموخت.

(علق ۵)

يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ : خدا [رتبه کسانی از شما را که ایمان دارید و دانشمند آید بر حسب درجات بلند گرداند.] [مجادله-۱۱]

علوم مورد دعوت قرآن:

دعوت قرآن به تفکر در نظام آفرینش انسان، اسرار و رموزی که در ساختمان وجودش نهفته است و نیز دعوت به سیر در زمین، مشاهده آثار گذشتگان، جوامع بشری و قصص آنان، در واقع دعوت به فراگیری علوم طبیعی ریاضی، فلسفی، فنون ادبی و در کل همه علمی که در دسترس فکر انسانیت و یادگیری آن سعادت بخش جامعه انسانی است.

علوم خاصه قرآن:

یعنی علمی که موضوع بحث، خود قرآن است. و تاریخ پیدایش این علوم، نخستین روزهای نزول بود که به تدریج مسائل آن در میان مردم رواج یافت تا به حد کمال رسید و پژوهشگران کتاب های بی شماری در این باره نوشتند؛ برخی از این علوم درباره الفاظ قرآن و برخی درباره معانی آن است.



علمی که درباره الفاظ قرآن اند، فنون تجوید و قرائت هستند؛ مانند ادغام و تبدیل حروف و احکام وقف و ابتداء و مانند آن، فنی در ضبط قرائت های هفت گانه معروف، قرائت های سه گانه و قرائت های صحاب می پردازد و فنی که عدد سوره، آیات، کلمات و حروف همه قرآن را شمارش می کند، همچنین فنی در خصوص رسم خط قرآن مجید و اختلافاتی که با رسم خط عربی معمول



درد سخن می گوید.

علمی که درباره معانی قرآن بحث می کند کلیات معانی آیات مانند تنزیل و تاویل، ظاهر و باطن، محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ قرآن را بررسی می کند. و در حقیقت شعبه ای از فقه اسلامی است که از معانی مخصوص آیات قرآنی سخن می گوید و به آن تفسیر قرآن می گویند.

پیدایش علوم:

قرآن عامل پیدایش علوم دینی ای است که امروز در میان مسلمانان رایج شده. از اوایل قرن دوم به سبب برداشته شدن منع حدیث، ابتدا نگارش حدیث، سپس نگارش بحثی مربوط به علوم دیگر آغاز شد و بدین ترتیب فن حدیث، علم رجال، فن اصول فقه، علم فقه و علم کلام به وجود آمد. حتی فلسفه نیز اگر چه در آغاز به عنوان نقل از یونانی به عربی وارد محیط اسلام شد ولی پس از چندی محکوم طرز تفکر محیط گردیده و از جهت ماده و صورت تغییراتی پیدا کرد به گونه ای که در فلسفه امروزی رایج میان مسلمانان، در معارف الهیه مسئله ای نیست مگر اینکه متن و ادله بکار رفته را می توان در قرآن و حدیث پیدا کرد.

سخن مذکور را در علوم ادبی عربی نیز میتوان مطرح ساخت، زیرا امثال علم، صرف، نحو، معانی، بیان بدیع لغت، فقه لغت و اشتقاق هرچند متعلق به کلام عربی است اما آنچه مردم را وادار به تتبع و ضبط اصول و قوانین این علوم کرد بیان شیوا و اسلوب زیبای قرآن بوده است.

فن تاریخ نیز در اسلام از فن حدیث مشتق شده است و در آغاز از قصص انبیاء و امم و از سیره رسول خدا(ص) شروع شده و پس از آن تاریخ صدر اسلام بدان اضافه شده است.

عامل اصلی علاقه مسلمانان به علوم عقلی مثل طبیعیات و ریاضیات و... به صورت نقل و ترجمه در آغاز و سرانجام، همان انگیزه ی فرهنگی فراهم شده در نفوس مسلمانان به وسیله قرآن بوده است.

منبع

https://fa.wikishia.net/view/%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86_%D9%88_%D8%B9%D9%84%D9%85

تفسیر آیه وحدت

صفیه لازری

کارشناسی علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س)

sfyhlazry@gmail.com



وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۰۳ ال عمران)

و همگی به ریسمان خدا قرآن و اهل بیت (علیه السلام) چنگ زنید ، پراکنده و گروه گروه نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن گاه که پیش از بعثت پیامبر و نزول قرآن با یکدیگر دشمن بودید، پس میان دل‌های شما پیوند و الفت برقرار کرد، در نتیجه به رحمت و لطف او با هم برادر شدید و بر لب گودالی از آتش بودید، پس شما را از آن نجات داد؛ خدا این گونه نشانه‌های قدرت لطف و رحمت خود را برای شما روشن می‌سازد تا هدایت شوید.

این آیه درباره دو طایفه اوس و خزرج نازل شده که صد سال در میان آنها نزاع و کشمکش بوده تا این که خداوند پیامبر اسلام را به ظهور رسانید ؛ آنان بدین اسلام گرویدند و از برکت آن کینه و دشمنی از میان رفت و با هم برادر شدند.

در این آیه مسأله اتحاد و مبارزه با هر گونه تفرقه مطرح شده : «و همگی به ر یسمان الهی چنگ بزنید و از هم پراکنده نشوید» (وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا).

در باره «بِحَبْلِ اللَّهِ» ریسمان الهی، مفسران احتمالات مختلفی ذکر کرده اند و در روایات اسلامی نیز تعبیرات گوناگونی دیده می‌شود ولی هیچ کدام با یکدیگر اختلاف ندارند زیرا منظور از ریسمان الهی هر گونه وسیله‌ی ارتباط با ذات پاک خداوند است که این وسیله می‌تواند اسلام قرآن، پیامبر و اهل بیت او باشد.

تعبیر از این امور به حبل الله اشاره به این حقیقت است که انسان در شرایط عادی و بدون داشتن راهنما، در قعر دره طبیعت ، و چاه تاریک غرایزی چون سرکشی ، جهل و نادانی باقی خواهد ماند و برای نجات از این دره نیاز به ریسمانی محکم دارد که به آن چنگ زند، این رشته محکم همان ارتباط با خدا از طریق قرآن و رسول و جانشینان واقعی او می‌باشد که انسان را از سطوح پایین و پست بالا برده و به آسمان تکامل معنوی و مادی می‌رساند.

سپس قرآن به نعمت بزرگ اتحاد و برادری اشاره کرده و مسلمانان را به تفکر در وضع اندوه بار ، گذشته و مقایسه آن پراکندگی با این «وحدت» دعوت می‌کند:

«و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او در میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید» (وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا).

خداوند مسأله تألیف قلوب مؤمنان را به خود نسبت داده با این تعبیر، اشاره به یک معجزه اجتماعی اسلام نموده، زیرا اگر سابقه دشمنی و عداوت پیشین عرب را بررسی کنیم، می‌بینیم چگونه

یک موضوع جزئی و ساده کافی بود تا آتش جنگی خونین را در میان آنها برپا کند، این ثابت می‌کند از طرق عادی امکان پذیر نبود از چنین ملت پراکنده و نادانی ملتی واحد و برادر ساخته شود.

اهمیت وحدت و برادری در میان قبایل کینه توز عرب حتی از نظر دانشمندان و مورخان غیر مسلمان مخفی نمانده و همگی به تفصیل فراوان از آن یاد کرده اند قرآن نیز می‌فرماید : «شما در گذشته در لبه گودالی از آتش بودید که هر آن ممکن بود در آن سقوط کنید و همه چیز شما خاکستر گردد» (وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا).

اما خداوند شما را نجات داد و از این پرتگاه به نقطه ای امن که همان برادری و محبت بود رهنمون ساخت.

«نار» (آتش) در آیه فوق، کنایه از جنگ ها و نزاع هایی بوده که در دوران جاهلیت به بهانه های مختلف در میان اعراب شعله ور می‌شد.

در پایان آیه برای تأکید بیشتر می‌گوید: «خداوند این چنین آیات خود را بر شما روشن می‌سازد، تا شاید هدایت شوید.» (كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ)

منابع

<https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A2%DB%8C%D9%8.1>

[7_%D9%88%D8%AD%D8%AF%D8%AA](https://wiki.ahlolbait.com/%D8%A2%DB%8C%7_%D9%88%D8%AD%D8%AF%D8%AA)

https://wiki.ahlolbait.com/%D8%A2%DB%8C%2_D9%87_103_%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87_%D8%A2%D9%84_%D8%B9%D9%85%D8%B1%D8%A7%D9%86#%D8%A8%D8%B1%DA%AF%D8%B2%DB%8C%D8%AF%D9%87%20%D8%AA%D9%81%D8%B3%DB%8C%D8%B1%20%D9%86%D9%85%D9%88%D9%86%D9%87

<http://tadabbor.org/?page=tadabbor&SOID=3.3>

&AYID=103&TPIV=T2

تفسیر حدیث سفینه

صفیه لازری

کارشناسی علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س)

sfyhlazry@gmail.com

اسلام به برخی از آنها اشاره کرده اند:

- وجوب محبت اهل بیت:
بسیاری از علمای شیعه و سنی، وجوب تعظیم و محبت اهل بیت (علیهم السلام) را از حدیث سفینه استنباط کرده اند. آنان نجات امت اسلامی را بدون تحصیل محبت اهل بیت (ع) ناممکن دانسته و محرومیت از آن را مستحق عذاب الیم الهی شمرده اند؛ شماری از عالمان موافق اهل سنت به دلالت حدیث سفینه بر وجوب محبت اهل بیت عبارتند از: فخر رازی، نظام الدین نیشابوری، بقاعی، ابن هجر، هیتمی، مناوی، ملاعلی هروی، قاری شافعی.....
- وجوب اطاعت و پیروی اهل بیت:
علاوه بر وجوب محبت، وجوب اطاعت و پیروی از اهل بیت (علیهم السلام) را نیز از حدیث سفینه دریافت می شود، زیرا هر چه سبب نجات گردد، اطاعتش واجب است؛ ملاعلی هروی، قاری محب الدین، طبری، سمهودی، عاصمی و... این مطلب را بیان کرده اند.
- عصمت اهل بیت
اگر کشتی اهل بیت (علیهم السلام) مسافران خود را از خطر غرق شدن حفظ می کند، پس به طریق اولی خود از غرق شدن مصون مانده است. اگر آن که پیروی اش واجب است محتمل الخطاء باشد، برای نجات پیروانش ضمانتی ندارد؛ حال آنکه پیامبر فرمود:

« إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ دَخَلَهَا نَجِيَ وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ »

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِ مَنْ مِثْلَ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ دَخَلَهَا نَجِيَ وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ
پناه برد نجات یافته و هر کس از آن جا ماند، هلاک می شود.
شیعیان این حدیث را کنار احادیث غایب، ثقلین، حدیث منزلت و مانند آن، از اخبار متواتر و قطعی می شمارند. بر این اساس، حدیث سفینه گواهی می دهد، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) جانشینان خود را تعیین کرده اند. این حدیث را همه ی علمای اسلام پذیرفته اند و محدثین ثقه با اسناد معتبر آن را روایت کرده اند.

حدیث سفینه با الفاظی گوناگون از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل شده؛ اما از همه آنها معنای وجوب اطاعت از امامان معصوم (علیه السلام) دریافت می شود بدین معنا که ایشان از شمار امامان علیه السلام سخنی نگفته؛ ولی در احادیثی دیگر، شمار آنان را دوازده نفر دانسته است؛

مراد از «سفینه نوح» همان کشتی مشهور حضرت نوح (علیه السلام) است که قرآن کریم از آن و عاقبت قوم نوح سخن گفته است.

حدیث سفینه به لحاظ سندی و محتوایی دارای جایگاه ویژه ای است پیامبر اکرم در این حدیث با تشبیه اهل بیت خویش به کشتی نوح، در صدد بیان امور مهمی بودند که علمای بزرگ



قطعا اگر دیگران برتر بودند، آنان به عنوان کشتی نجات معرفی می شدند، نه اهل بیت؛ زیرا پیامبر معصوم است و از روی هوای نفس سخن نمی گوید.

• فرقه ناجیه :
اگر «حدیث سفینه» را در کنار «حدیث افتراق» بگذاریم معلوم می گردد فرقه ناجیه (نجات یافته از بین ۷۳ فرقه)، تنها پیروان واقعی اهل بیت (علیهم السلام) می باشند.

منابع :

1.

https://fa.wikishia.net/view/%D8%AD%D8%AF%DB%8C%D8%AB_%D8%B3%D9%81%DB%8C%D9%86%D9%87

2.

https://wiki.ahlolbait.com/%D8%AD%D8%AF%DB%8C%D8%AB_%D8%B3%D9%81%DB%8C%D9%86%D9%87

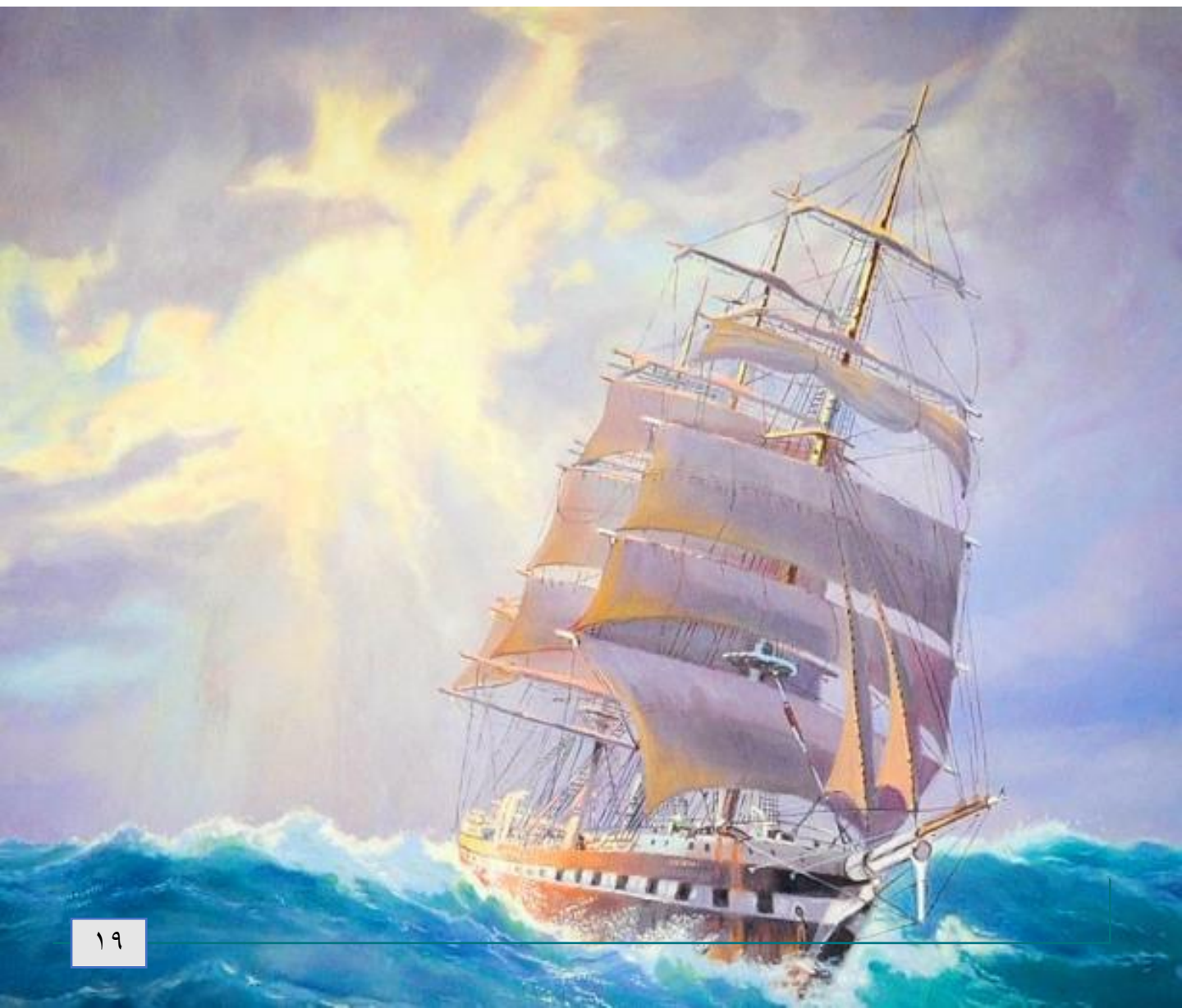
هر کس از اهل بیت تخلف کند، اهل هلاکت است.

• مطابق سنت بودن معارف اهل بیت
این که پیامبر اکرم به نشستن بر کشتی اهل بیت فرمان داده است، یعنی به پیروی و فراگیری دانش از آنان فرمان داده است؛ و حاشا که رسول خدا به پیروی از اهل بدعت و گمراهی دعوت کرده باشد.

• خلافت امیرالمؤمنین(ع) :
امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از اهل بیت و کامل ترین مصداق ایشان است؛ در نتیجه اطاعت از ایشان و قبول خلافت شان واجب است.

• توسل و اتجا به اهل بیت(ع) :
سوار شدن بر کشتی اهل بیت، یعنی به هنگام شدائد و مشکلات به آنان متوسل شدن و با استعانت از آنان به خدای متعال تقرب جستن، برخی علماء، توسل و اتجا به اهل بیت (علیهم السلام) را، تنها راه پاک شدن از آثار طبیعی گناهان دانسته اند مانند: عبدالعزیز دهلوی در کتاب «فتح العزیز» و عبدالحق دهلوی در «مناقب اهل البیت».

• وجود اهل بیت معصوم در تمامی اعصار
• افضل بودن اهل بیت:



قطره‌ای از فضائل حضرت زهرا (س)

صغری خلیفه

کارشناسی علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س)

Khalifeh.soghra7873@gmail.com

که فرمود: «أَمَّا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي يُؤْذِنُنِي مَا آذَاهَا وَ يَنْصَبُنِي مَا نَصَبَهَا؛»

فاطمه پاره تن من است، آنچه او را آزار دهد مرا آزار داده و آنچه او را به زحمت افکند مرا به زحمت افکند. بدیهی است علاقه پدر و فرزندی هرگز نمی تواند چنین پدیده ای را توجیه کند زیرا پیغمبر (ص) چیزی را اراده نمی کند جز آنچه خدا اراده کند و هماهنگی خشنودی و فاطمه با خشنودی و رضای خدا و پیامبر، دلیلی جز محو اراده او در اراده و خواست خدا ندارد.

این نکته نیز شایان دقت است که معمولا جمله «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي» را به معنای فاطمه پاره تن من است تفسیر و ترجمه می کنند، در حالی که در این جمله سخنی از تن در میان نیست؛ بلکه مفهوم حدیث این است که فاطمه (س)، پاره ای از وجود پیامبر (صلی الله علیه وآله) هم از نظر جسمی و هم روحی است.

۵. زهد و ایثار فاطمه (علیها السلام)

ابن حجر و دیگران در روایتی از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل کرده اند: او هنگامی که از سفر باز می گشت نخست به سراغ دخترش فاطمه زهرا (س) می آمد، و مدتی نزد او می ماند؛ وقتی یک بار برای فاطمه زهرا (علیها السلام) دو دستبند از نقره و همچنین یک گردنبند برده بودند و پرده ای نو بر در اطاق دیدند. ایشان در حالی که آثار غضب در چهره اش نمایان بود به مسجد آمد و بر منبر نشست؛ فاطمه (س) دانست که ناخشنودی پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، به خاطر همان مختصر زینت است. همه را نزد پدر فرستاد تا در راه خدا صرف کند هنگامی که چشم پیامبر (صلی الله علیه و آله) به آن افتاد سه بار فرمود: «فَعَلَّتْ فِدَاهَا أَبُوهَا» فاطمه آنچه را که میخواستم انجام داد پدرش فدای او باد.



به مناسبت میلاد با سعادت ایشان و روز مادر: فضائلی که در وصف حضرت زهرا (سلام الله علیها) وارد شده از حد شمارش بیرون است. بسیاری از این صفات در لسان قرآن، روایات اهل بیت (ع) و حتی در کتب اهل سنت می باشد؛ در این سخنرانی به بخش سوم وارد می شویم، و به ذکر ده قطره از اقیانوس فضائل آن بانو را از منابع سنی بسنده می کنیم.

۱. برترین بانوی جهان:

در روایات فراوانی از منابع معروف اهل سنت تصریح شده است که فاطمه زهرا (س) افضل زنان جهان است، و این سخنی است که پیغمبر اکرم (ص) آن را با تعبیرات مختلف بیان فرموده است:

«إِنَّ أَفْضَلَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَ مَرِيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَ أَسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ»

برترین زنان بهشت خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم (همسر فرعون) هستند.

۲. بانوی بهشتی:

نخستین سنگ بنای وجود انسان، انعقاد نطفه اوست؛ زیرا قسمت مهمی از ارزش های وجودی انسان را در بر دارد و به همین دلیل در روایات اسلامی دستورات بسیاری بیان شده که زیر بنای این سنگ درست نهاده شود. هنگامی که به تاریخ زندگی بانوی اسلام فاطمه زهرا (س) مراجعه می کنیم، بین شخصیت های بزرگ جهان اعم از مرد و زن ایشان را فردی بی نظیر می یابیم؛ ابن عباس می گوید پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) زیاد فاطمه را می بوسید تا جایی که عایشه دلیل آن را پرسید، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: در شب معراج هنگامی که جبرئیل مرا وارد بهشت کرد از تمام میوه های بهشتی به من داد و از عصاره آنها نطفه فاطمه در رحم خدیجه منعقد شد. «فَإِذَا اشْتَقَّتْ لِنَلْكَ التَّمَارِ قَبِلْتُ فَاطِمَةَ فَأَصَبْتُ مِنْ رَائِحَتِهَا جَمِيعَ نَلْكَ التَّمَارِ الَّتِي أَكَلْتُهَا» هنگامی که مشتاق آن میوه های بهشتی می شوم فاطمه را می بوسم و از بوی او بوی تمام آن میوه ها را که در آن شب خوردم استشمام می کنم.

۳. محبوب ترین افراد نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله):

در حدیثی از زبان عایشه می خوانیم که می گوید:

«مَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَشْبَهَ كَلَامًا وَ حَدِيثًا مِنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ كَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَيْهِ رَحَبَ بَهِاءٍ، وَ قَامَ إِلَيْهَا، فَأَخَذَ بِيَدِهَا فَقَبَّلَهَا وَ أَجْلَسَهَا فِي مَجْلِسِهِ مِنْ»

هیچ کس را در سخن گفتن از فاطمه (س) شبیه تر به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ندیدم، هر گاه پیامبر بر فاطمه (س) وارد می شد به او خوش آمد می گفت و در برابر بر می خاست، دست او را می گرفت و می بوسید و او را در جای خود می نشاند.

۴. مقام قرب فاطمه (س) در پیشگاه خدا:

در صحیح ترمذی از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده

آیه شریفه: «كَلَّمَ دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»

۸. نخستین کسی که وارد بهشت می شود:

ذهبی در میزان الاعتدال آورده است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَوَّلُ شَخْصٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ فَاطِمَةُ (عليها السلام) نخستین کسی که وارد بهشت میشود، فاطمه است.»

۹. نامهای پرمعنا فاطمه (علیها السلام)

از احادیث برمی آید که نامگذاری فاطمه زهرا (علیها السلام) بوسیله حکیم علی الاطلاق یعنی خدای عالم بوده است. از سوی دیگر «فاطمه» از ماده «فطم» (بر وزن حتم) به معنای بازگرفتن کودک از شیر مادر است سپس به هر گونه بریدن و جدایی اطلاق شده است.

در حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که فرمود: «لَمَّا سَمَاهَا فَاطِمَةَ لَانَ اللَّهُ فَطَمَهَا وَ مُجِيبَهَا عَنِ النَّارِ» او را فاطمه نام نهاده زیرا خداوند او و دوستانش را از آتش دوزخ باز داشته است.

با این تعبیر، نامگذاری بانوی اسلام به این نام از سوی خداوند صورت گرفته و مفهومی این است که خدا وعده داده است او، دوستدارانش و آنان که در خط مکتب او باشند هرگز به دوزخ نروند.

۱۰. هدیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به فاطمه (علیها السلام):

غیر از هدایای معنوی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به دخترش فاطمه زهرا (علیها السلام) داد که هر کدام از دیگری گرانبهاتر و پرازش تر بود هدایای مادی که بعضی از آنها در تاریخ ضبط شده مانند تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) که این هدایا نیز به فرمان خدا صورت گرفت چنانکه در حدیث زیر آمده است سیوطی نقل می کند هنگامی که آیه شریفه: «وَأَتَى الْقُرْبَى حَقَّهُ وَ حَقَّ زَرْدِيْقَانَ رَا بِرْدَا» نازل شد، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فاطمه (علیها السلام) را صدا زد و سرزمین فدک را به او واگذار کرد. البته بخشیدن فدک به فاطمه (علیها السلام) یک مسأله ساده نبود پشتوانه ای بود برای مسأله ولایت علی (علیه السلام) و سندی برای تحکیم و تثبیت مقام والای این خانواده و از این نظر یک هدیه معنوی نیز محسوب می شد.

منابع:

۱. این حدیث در مستدرک الصحیحین جلد ۲، صفحه ۴۹۷ نقل شده و سپس تصریح میکند که اسناد این حدیث صحیح است. ۲۰. ذخائر العقبی، صفحه ۳۶.
۲. مستدرک، الصحیحین جلد ۳ صفحه ۱۵۴.
۳. صحیح، ترمذی جلد ۲، صفحه ۳۱۹.
۴. الصواعق المحرقة، صفحه ۱۰۹.
۵. مسند احمد بن حنبل، جلد ۶، صفحه ۴۶۱. این حدیث را ابن اثیر در «اسد الغابة و جمعی دیگر در کتب خود آورده اند.
۶. البته دلایل علمی و دانش گسترده و فوق العاده آن حضرت در روایات شیعه وضع دیگری دارد که در زندگی نامه آن بزرگوار قبلا بدان اشاره شد ۸ آل عمران آیه ۳۷.
۷. میزان الاعتدال جلد ۲ صفحه ۱۳۱.
۸. تاریخ بغداد جلد ۲ صفحه ۳۳۱.
۹. اسراء، آیه ۲۶.
۱۰. در المنثور ذیل آیه میزان الاعتدال جلد ۲، صفحه ۲۸۸: کنز العمال جلد ۲ صفحه ۱۵۸.

هر زمان زکریا وارد محراب او می شد غذای مخصوصی در آن جا می دید از او پرسید: ای مریم این را از کجا آورده ای؟ گفت این از سوی خداست خداوند به هر کس بخواهد بی حساب روزی میدهد»

از جابر بن عبدالله نقل کرده اند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چند روز بود غذایی نخورده بود به منزل همسرانش سر زد هیچ کدام غذایی نداشتند، سرانجام به سراغ دخترش فاطمه (علیها السلام) آمد و فرمود دخترم غذایی داری من تناول کنم زیرا گرسنه ام؟ عرض کرد: خیر پدر جان، اما هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از نزد او خارج شد، زنی از همسایگان دو قرص نان و مقداری گوشت برای فاطمه (علیها السلام) هدیه آورد و او آن را گرفت و در ظرفی گذاشت، روی آن را پوشاند و گفت: بخدا سوگند رسول الله (صلی الله علیه و آله) را بر خود و فرزندانم مقدم می دارم و این در حالی بود که همه گرسنه بودند. حسن و حسین را به سراغ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرستاد و از او دعوت کرد به خانه بیاید عرض کرد: فدایت شوم، خداوند چیزی را برای ما فرستاده و من آن را برای شما ذخیره کرده ام او ظرف غذا را نزد حضرت آورد هنگامی که پیغمبر سر ظرف را بر داشت، مملو از نان و گوشت بود، فاطمه (س) تعجب کردند و فهمیدند این نعمت و برکتی است از سوی خدا، شکر آن را بجا آوردند و بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) درود فرستادند. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: دخترم این را از کجا آورده ای؟ عرض کرد: «هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» این از سوی خداست، خداوند که به هر کس بخواهد بی حساب روزی می دهد» پیامبر (صلی الله علیه و آله) شکر خدا را بجا آورد و این جمله را فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَكَ شَبِيهَةً بِسَيِّدَةِ نِسَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ» شکر می کنم خدایی را که تو را شبیه مریم بانوی زنان بنی اسرائیل قرار داد.

۶. مقام علمی فاطمه (علیها السلام):

در مسند احمد از ام سلمه چنین آمده: وقتی فاطمه (علیها السلام) به همان بیماری که به وفاتش منتهی گشت بیمار شد من از او پرستاری می کردم روزی حالتش را از همه روز بهتر دیدم علی (علیه السلام) به دنبال کاری رفته بود فاطمه (س) به من فرمود آبی بیاور تا غسل کنم آب آوردم و او غسل کرد غسلی که بهتر از آن ندیده بودم. سپس فرمود: لباسهای تازه ای برای من بیاور لباسها را آوردم و به او دادم و او پوشید، سپس فرمود بستر من را در وسط اطاق بیفکن او دراز کشید و رو به قبله کرد و دستش را زیر صورتش گذاشت سپس فرمود: ای ام سلمه من الان از دنیا می روم و به ملکوت اعلا می شتایم در حالی که پاک شده ام مبادا کسی روی مرا بگشاید. این سخن را گفت و چشم از جهان پوشید! این حدیث به خوبی نشان می دهد که فاطمه (س) از لحظه ی مرگش آگاه و با خبر بوده و بدون اینکه نشانه های مرگ در او باشد آماده رحلت از این جهان گشت. از آن جا که هیچ کس لحظه مرگ را جز به تعلیم الهی نمی داند این نشان دهنده ی الهام پروردگار به ایشان بود. آری روح او با عالم غیب مربوط بود و فرشتگان آسمان با او سخن می گفتند. به علاوه مطابق روایات گذشته حتی او از مریم دختر عمران و مادر حضرت عیسی برتر بود و همین امر کافی است زیرا قرآن با صراحت می گوید مریم با فرشتگان خدا سخن می گفت، آیات متعددی در این زمینه در سوره مریم و آل عمران وجود دارد. بنابراین فاطمه (علیها السلام) دخت گرامی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نیز به طریق اولی می توانست با فرشتگان آسمان هم سخن شود.

۷. کرامات فاطمه زهرا (علیها السلام):

بسیاری از مفسران اهل سنت مانند زمخشری و سیوطی در ذیل

بررسی یک شبهه رایج درباره چادر

خدیجه حیدری مشگول

کارشناسی علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س)

hkhdyjh067@gmail.com

برخی می گویند: چادر گران است و مانند آن از نظر اقتصادی با صرفه تر است و همچنین رنگ مشکی باعث به وجود آمدن انواع ناراحتی های روانی و افسردگی می گردد؛ پس بهتر است چادر مشکی به چادر صورتی و رنگ های متنوع تبدیل گردد! نظر شما چیست؟ آیا چادر مشکی افسردگی می آورد؟

پاسخ: اول اینکه، یک زن چادری در طول سال یا چند سال یک چادر بیشتر لازم ندارد حال اگر آن را با خانم مانتویی که هر هفته با یک نوع لباس و رنگ و با خرج کردن پول زیادی برای انواع آرایش مقایسه کنیم به مراتب از نظر اقتصادی چادر به صرفه تر است. حتی آن خانم هایی که دائم به چادر اشکال می کنند گاه مانتوهایشان چندین برابر قیمت یک چادر است.

دوم اینکه، مگر دختر یا زن چادری همیشه چادر بر سر دارد تا رنگ مشکی اثر منفی از جهت روانی بر وی باشد؟ خیر، بلکه چادر را برای اوقات کمی که در بیرون از منزل هست استفاده می کند و در درون خانه و در مکانی که نامحرم نیست می تواند از لباس های خوش رنگ و مناسب استفاده کند و اسلام هم روی این موضوع تاکید نموده است.

سوم: اگر رنگ مشکی اینقدر خطرناک است چطور شما در میهمانیها و پارتیهای خصوصی خود تیپ مشکی می زنید؟! چهارم: اگر این حرف شما صحت داشته باشد باید همه خانم های

بد حجاب و زنانی که از انواع اقسام لباسها و رنگها در خیابان استفاده می کنند و نظر مردان به ویژه جوانان لایبالی را به خود جلب می کنند از نظر روانی و روحی سالم ترین زنان باشند و از نظر اجتماعی و اخلاقی و مشکلات خانوادگی مانند طلاق و... کمترین ناراحتی ای نداشته باشند در حالی که آمار و حقایق غیر از این است ، اصلا بر مبنای نظر شما جوامع غربی باید شاداب ترین و سالم ترین مردم را از نظر روحی و اخلاقی داشته باشند اما می بینیم که خود غربی ها هم بارها اعتراف کرده اند کشورهای غربی بالاترین آمار را از نظر مشکلات اخلاقی و روحی در بین جوامع دیگر دارند.

پنجم: اگر رنگ مشکی این آثار منفی را دارد باید در آفریقا یک آدم سالم از نظر روانی پیدا نشود در حالی که مردم شریف و سیاه پوست آفریقا از جمله بلال حبشی مؤذن رسول خدا(ص) از نظر روانی اخلاقی ، صفا و محبت به مراتب بالاتر از مردم غرب و پیروانش هستند.

منبع

<http://shiraze.ir/fa/news/140263/%D8%B7%D8>

%



عفتان و وحی

امام علیؑ

زکات زیبایی عفت و پاکدامنی است

و عمره پاکدامنی محفوظ ماندن از گناه

مصاحبه با استاد: گفت‌وگو با دکتر معتمد لنگرودی (استاد دانشگاه الزهرا)

زینب سادات میرمعینی

کارشناسی علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س)

Zeynabsadatmi313@gmail.com

انجام شده و سوالاتی در جهت آگاهی و آشنایی بهتر و بیشتر افراد جامعه گزارش شده است.

۱. با عرض سلام و خدا قوت به استاد گرامی، به عنوان اولین سوال بنده، هدف شما از انتخاب این رشته چه بود؟

خانم دکتر معتمد: با سلام خدمت شما و دانشجویان عزیزم و آرزوی سلامتی، در پاسخ به سوال شما باید بگویم هدف اصلی من دغدغه مندی های پژوهشی در سال های اخیر بوده است؛ انگیزه ی دیگرم پیدا کردن ارتباط رشته علوم قرآن و حدیث با رشته تجربی بود، بدین جهت که در مقطع دبیرستان در رشته تجربی تحصیل می کردم.

و همچنین پیدا کردن ارتباط رشته علوم قرآن و حدیث با سایر علوم مختلف که بحمدالله توانستم این ارتباط را در طول تحصیل خود کشف کنم، پژوهش های متعددی را در این زمینه انجام بدهم و مطالعات بین رشته ای داشته باشم از جمله باگ مطالعات روابط بین متنتیت، تحلیل گفتمان، تحلیل محتوا، اعجاز قرآن، ارتباط آیات قرآن کریم با متون اهل بیت (ع) و آثار مختلفی که در این زمینه نگاشته شده است.

قرآن و حدیث دو منبع اساسی علوم اسلامی است که فهم این نکته بیشتر توجه ما را در جهت یادگیری و استفاده و کاربردی کردن آن جلب می کند.

رشته کارشناسی علوم قرآن و حدیث رشته ای است که دانشجوی طی تحصیل در آن با قرآن کریم و حدیث پیامبر اکرم (ص) آشنا می شود و مهارت های لازم در جهت استفاده مستقیم از قرآن و حدیث و ارائه آن به جامعه را فرا می گیرد.

پیشینه این رشته در دانشگاه الزهرا (س) بسیار است به طوری که از اوایل تاسیس دانشگاه حدود سال ۱۳۷۰ تدریس شد. در اوایل کار، دو دانشکده الهیات و ادبیات مشترک بودند تا اینکه در سال ۱۳۸۰ دانشکده الهیات به صورت جداگانه در حوزه های تخصصی الهیات کار خود را آغاز کرد.

مقطع ارشد از ۱۳۸۰ به بعد در دانشگاه الزهرا تاسیس شد که هم چنان هم ادامه دارد و بخش دکتری رشته از سال ۱۳۹۳ دانشجویان را جذب کرد و پسا دکتری هم از ۱۳۹۸ آغاز شد.

این مصاحبه با سرکار خانم دکتر فرشته معتمد لنگرودی پژوهشگر پسا دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س)

۴. چگونه می توان علاقه افراد جامعه را نسبت به قرآن افزایش داد ؟

آن چیزی که الان مطرح است به روز کردن روش ها در بحث آموزش قرآن است چراکه ما الان نمی توانیم مثل بیست یا سی سال قبل که با یک نوار و یک کلاس خیلی ساده به دانش آموزان قرآن را یاد می دادند و از این روش ها استفاده کنیم ، و باید آنها را به روز کنیم .

مثلا یکی از کارهایی که انجام شده برای مقطع ابتدایی، مجموعه ای به نام سرودستان است، که در مقاطع بالاتر جای کار دارد . این رسالت دانشگاهیان است که با پختگی پژوهشی افراد را در مقاطع بالای تحصیلی مانند دبیرستان جذاب کنند.

راهکارهای مختلفی وجود دارد اما چیزی که خیلی برای هر فردی مفید است حفظ قرآن از همان مقطع دبستان است و بعد بحث روخوانی و روان خوانی ، بحث الگو افزینی هم موثر است که باید از افراد موفق در حیطه های مختلف قرآنی استفاده کرد ، تکرار و مداومت در هفته ، روخوانی و حفظ و روان خوانی قرآن هم می تواند موثر باشد ..

۵. تعداد مقالات شما و موضوع اجمالی آنها چیست ؟

بیش از ۲۰ مقاله علمی - پژوهشی و بیش از ۱۰ مقاله علمی - ترویجی و بیش از ۲۰ مقاله همایشی در زمینه های مختلف نوشته ام. در عرصه های حدیثی و قرآنی و بیشتر هم در حوزه مطالعات بین رشته ایی کار کرده ام. به عنوان مثال: کارکردهای تفسیری اسناد های قرآنی در خطبه های حضرت زهرا س ، ظرفیت های ادیان توحیدی در عرصه فرهنگ سازی بین المللی ، دلالت های فلسفی کلام امام رضا ع در مسئله توحید ذاتی ، روش های حل تعارض اخبار در تاویل مختلف الحدیث ، تحلیل محتوی احادیث رضوی در موضوع بخل با رویکرد تربیت اخلاقی ، نقش سیاق و عناصر درون متنی در کشف غرض سوره مبارکه مریم ، روش های نقل و ارزیابی علامه امینی در الغدیر و پاسخ به شبهات واقعه غدیر و سایر آثاری که در زمینه مطالعات بین رشته ایی نوشته شده است مثلا ظرفیت شناسی مطالعات میان رشته ایی علوم قرآن و مطالعه حدیث موردی تحلیل محتوا.

۶. مطالعه و وقت گذاری برای موفقیت در این رشته با توجه به سایر فعالیت های زندگی ، باید چه میزان باشد ؟

هر دانشجویی باید برنامه ریزی منسجمی داشته باشد تا بتواند به موفقیت دست پیدا کند؛ به طور متوسط فردی که در این رشته تحصیل می کند چه در مقطع کارشناسی ، ارشد و یا دکتری به طور متوسط روزانه ۴ الی ۵ ساعت برای مطالعه در زمینه های آموزشی و پژوهشی وقت بگذارد البته همه این ها مبه به علاقه و سخت کوشی فرد بستگی دارد .
در انتها با تشکر از استاد گرامی، برای به اشتراک گذاشتن تجربیاتشان مصاحبه را به پایان رساندیم.

۲. چگونه می توان رشته علوم قرآن و حدیث را کاربردی کرد ؟

به نظر من باید به سراغ مطالعات بین رشته ایی رفت چون یکی از دغدغه ها و شبهاتی که ممکن است در ذهن افراد وجود داشته باشد این است که ما در مطالعات قرآن و حدیث دچار یک رکود محتوایی و معنایی شدیم و فقط آیات و روایات را تکرار می کنیم در صورتی که چنین چیزی نیست و برای کاربردی سازی این رشته باید به سمت مطالعات بین رشته ایی و ارتباط این رشته با سایر رشته ها برویم ؛ در این زمینه نیازمند اساتید متخصص هستیم .

اصلا مبنای قرآن کریم هدایت بشریت است که افراد با هر رویکردی و با هر فن و تخصصی می توانند وارد بحث قرآن کریم شوند و آیات قرآن می تواند آنها را در ان زمینه ها اقناع کند ؛ لذا پژوهش های بین رشته ایی در کاربردی سازی رشته علوم قرآن و حدیث نقش بسیار مهمی دارند.

۳. شغل های کارآمد در این رشته چیست ؟ ممکن است درباره اش توضیحی بفرمایید ؟

به طور کلی می توانیم شغل های رشته علوم قرآن و حدیث را در سه حوزه آموزشی / پژوهشی / ترویجی در نظر بگیریم . ماهیت رشته الهیات چه در بحث حوزه و دانشگاه بحث ترویج دین است . بدین معنا که بتوانیم گزاره های دینی و اخلاقی را در هر مقطعی ترویج دهیم . مثلا هر فرد فارغ التحصیل از مقطع کارشناسی هم می تواند در موسسات فرهنگی ، مهدهای قرآنی و آموزش پرورش این بحث های ترویجی را انجام دهد که یک بخش آن آموزش روخوانی و روان خوانی ، تجوید و یا سایر آموزش ها که در وادی رشته علوم قرآن و حدیث است .

بحث دیگر پژوهش است که در مقاطع تحصیلی بالاتر می تواند این درخشندگی ها خودش را نشان دهد و فرد با پژوهش هایی که انجام می دهد متبحر می شود، روش های پژوهشی را یاد می گیرد و در همان حوزه هایی که آموخته پژوهش های عالی انجام می دهد .

اما باید به این نکته هم توجه داشت که در حال حاضر دانشجویان زیادی در این رشته در حال تحصیل هستند و با روش ها و دانش های نوین در آیات و احادیث تفقه می کنند و این بحث مطالعات بین رشته ایی با آنها افق های جدیدی پیدا می کند ؛ تفاوت حوزه و دانشگاه همین افق های جدید است. ماموریت اصلی حوزه ، تبلیغ دین و تقویت بنیان های دینی در برابر شبهات است، اما رسالت اصلی دانشگاه نگرش علمی و آکادمیک و نگرش انتقادی به موضوعات دینی است .

به نظر وزارت علوم هم در این زمینه سیاست درستی را ایجاد نکرده است لذا افرادی که در این رشته فارغ التحصیل می شوند، معلوم نیست چه توانمندی هایی دارند و به طور واضح حوزه شغلی آنها مشخص نیست، لذا باید یک سیاست گذاری جدی برای مشاغل ایجاد شود .



معرفی کتاب: «نماز گنجی نا پیدا» از آقای سید علیرضا میرمعینی

زینب سادات میرمعینی

کارشناسی علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س)

Zeynabsadatmi313@gmail.com

در بررسی جایگاه نماز هم بیان شده است که نماز چهره دین، وسیله عروج انسان مؤمن و هدیه ای الهی و عاملی برای نزدیکی به خداوند متعال و رسیدن به معرفت است؛ پس نماز که بالاترین شکل اظهار بندگی است انسان را در زمره بندگان خداوند قرار می دهد و خداوند در این صورت اعمال او را محاسبه می کند و آموزش را می پذیرد. برای شکرگزاری از نعمت عظمای الهی لازم است جهت بهره مندی و دستیابی به حقایق واسرار نماز، مقدمات آن را رعایت کنیم.

در این کتاب این موارد توضیح داده شده است. یکی از مقدمات نماز خودشناسی است و کسی که خود را شناخت خدای خود را شناخته است. درین باره حضرت علامه حسن زاده املی فرموده اند : معرفت نفس باب الابواب معارف است و اگر بسته گردد تمام درهای معارف به روی انسان بسته می شود .

بحث مهم دیگر مراقبت از نفس است. مراقبت از نفس کلید هر مشکل و عامل هر سعادت است. هرچه مراقبت کامل تر باشد، باطن با صفات خواهد شد تا اینکه حقیقت اشیا آن گونه که هست بر او کشف شود. یعنی فرد در تمامی اعمال خود خداوند را ناظر و حاضر بر اعمالش بداند و این چنین نماز او رنگ و بوی دیگری پیدا می کند؛ چراکه این دو ارتباط دو سویه ای باهم دارند.

هرچه نماز با دقت و رعایت آداب بیشتری خوانده شود بر مراقبه و دقت بر اعمال شخص اثر می گذارد و هرچه مراقبت بیشتر باشد نماز با حالت بهتری خوانده می شود.

بحث دیگر مقدمات تربیتی نماز است که شامل طهارت و نیت می شود. درک مقام ربوبی میسر نخواهد شد جز با طهارت باطن و شرط طهارت باطن طهارت ظاهر است؛ پس یادگیری مسائل طهارت از ضروریات نماز است .

بنا به فرموده معصومین علیهم السلام ارزش اعمال با نیت آنها است و نیت مومن برتر از عمل اوست؛ پس نیت و اخلاص پایه عبادات است و فرق عبادت و عادت در نیت است .

بحث دیگر درباره اداب و اسرار باطنی نماز است. نماز یکسری شرایط ظاهری و یکسری شرایط باطنی دارد به عنوان مثال شرایط ظاهری شامل : رو به قبله ایستادن با رعایت نهایت ادب ، دوختن چشم به مهر و .. است؛ اما آنچه که از روایات

معصومین (ع) برداشت می شود آن است که شرایط باطنی همان حقیقت نماز است که روح نماز هم به آن وابسته است که این شرایط با وجود شش معنا کامل میشود . حضور قلب / تفهیم و دریافتن / هیبت / تعظیم / رجا و امیدواری / حیا

کتاب شامل ابواب و زیر فصل های زیاد و جالبی است اما به علت محدودیت در خلاصه نویسی مجال مطرح کردن آن نیست؛ اما عزیزانی که تمایل دارند کتاب را به صورت کامل مطالعه کنند می توانند کتاب را تهیه بفرمایند .

این کتاب شامل ۶ فصل است که در سال ۱۳۸۷ در کرمانشاه به چاپ رسیده است. در این کتاب شاهد دیدگاه جدیدی درباره نماز هستیم که شاید کمتر شنیده و دیده شده باشد و سایر مطالب کتاب هم حول آن دیدگاه دسته بندی و نوشته شده اند. سایر فصل های کتاب شامل جایگاه نماز ، آداب نماز ، مقدمات نماز، اسرار باطنیه نماز و ... میشود . نوآوری کتاب در دقت و توجه به سایر ابعاد نماز و همچنین ابعاد درونی و باطنی نماز است؛ لذا این ابتکار را این چنین معرفی میکنم :

با نگاه به تفسیر آیه شریفه «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» متوجه می شویم که هدف از آفرینش عبادت است و خداوند هم در این آیه پیام های مهمی را به ما گوشزد کرده است از جمله اینکه هرکاری برای رضای خداوند انجام شود عبادت محسوب می شود، حتی کسب و کار ، بنایی ، مکانیکی ، نانوائی، مسافر کشی ، خیاطی ، خانه داری ، خدمت به مردم ، تحصیل و... پس عبادت یک سری اعمال محدود و تعریف شده نیست.

درباره یکی از تکلمات حضرت موسی علیه السلام با خداوند متعال چنین آمده است : خداوند از موسی می پرسد ؛ آیا تا کنون کاری برای من انجام داده ای؟ در جواب حضرت موسی عرض می کند : پروردگارا نماز خوانده ام ، روزه گرفته ام ، حج ، زکات و جهاد انجام داده ام . خداوند در جواب می فرماید : پاداش و نتیجه این اعمال نصیب خودت می گردد یعنی این اعمال را برای خودت انجام داده ای . حضرت موسی عرض کرد : پروردگارا عمل برای تو یعنی چه و اگر تو بنده بودی چه می کردی ؟ خداوند در پاسخ می فرماید : عمل برای من یعنی تا کنون گرسنه ایی را سیر کرده ایی؟ برهنه ایی را برای رضای من پوشانده ایی؟....

پس نتیجه می گیریم عبادت امری است که انگیزه آن مقدس باشد و رنگ الهی داشته باشد و اگر انگیزه ما در همه عبادات حتی در نماز چیزی غیر از رضای خدا باشد آن عمل عبادت محسوب نمی شود. در واقع سخن نوین کتاب این است که نماز را در بطن زندگیمان آوریم . هر کاری را که انجام می دهیم صرفا برای خدا باشد ، این گونه تمام زندگی و لحظه به لحظه آن عبادت محسوب شود و موجب تغییر واقعی در ما شود. وقتی می گوییم «ایاک نعبد و ایاک نستعین» آیا واقعا در عمل هم جز خدا رو نمی پرستیم و جز از او کمک نمی خواهیم ؟ باید نماز و تک تک عبارات آن را در اعمال روزمره مان جاری و ساری کنیم؛ چراکه صرفا به زبان آوردن الفاظ بدون همراه بودن با عمل درست نمی تواند ما را به سعادت واقعی برساند و این چنین از خواندن آن هم لذت نمی بریم .

به عنوان مثال محبت کردنمان به دیگران به خاطر خدا باشد ، صحبت کردنمان ، درس خواندنمان ، خوردن و خوابیدنمان هم برای خداوند باشد. به این علت غذا بخوریم که توان و انرژی لازم برای مسیر بندگی و عمل درست داشته باشیم .

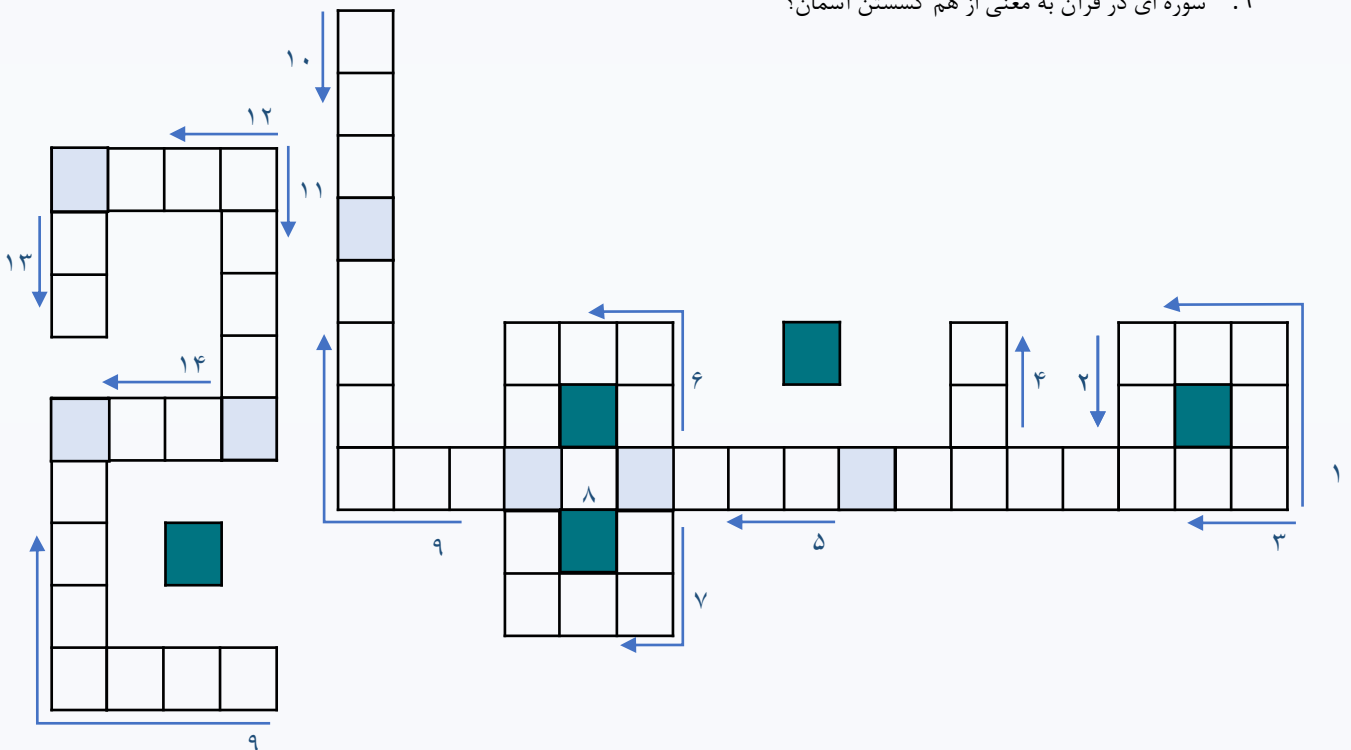
جدول سرگرمی

خدیجه حیدری مشگول

کارشناسی علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س)

hkhdyjh067@gmail.com

۱. سوره ای که معادل یک سوم قرآن است؟
۲. از آن به عنوان کلید بهشت بیان شده است؟
۳. عروس قرآن؟
۴. جمله یا جملات تشکیل دهنده قرآن که با ترتیب خاصی از یکدیگر تفکیک شده اند و سوره های قرآن را به وجود آورده اند؟
۵. سوره ای که به اسم یک حکومت یا کشور است؟
۶. کدام سوره قرآن تعداد کلماتش برابر تعداد سوره های قرآن است؟
۷. شخصی که با ثروت زیاد مشهور است؟
۸. نام یکی از سوره های قرآن که یک حرفی است؟
۹. سوره ای در قرآن به معنی از هم گسستن آسمان؟
۱۰. نام دیگر این سوره داوود است؟
۱۱. مهربانی و بخشایش مخصوص خدا؟
۱۲. اساس و بنیاد اسلام؟
۱۳. تنها سوره ای که به نام یکی از فروع دین است؟
۱۴. از مبطلات روزه؟
۱۵. اولین گرد آورنده قرآن؟



دانشگاه الزهراء